

واکاوی تغییرات معنایی منظر شهری بر مبنای رویکرد نشانه‌شناسی

(مطالعه موردی: منظر کلان شهر کرج)

مریم محمدی^{۱*}، راضیه رضازاده^۲

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

(پژوهشی)

پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۱

دریافت: ۹۸/۰۸/۲۶

<http://dx.doi.org/10.52547/sdge.2.2.14>

چکیده

شهر به مثابه یک متن، شبکه پیچیده‌ای از رمزگان‌های فرهنگی است که امکان خوانش را برای شهروندان فراهم می‌آورد. با چنین توصیفی، این متن، قابلیت بررسی در قالب رویکرد نشانه‌شناختی را داراست. بررسی‌ها نشان می‌دهد روندهایی که بعد از دوره مدرنیسم بر شهرها حاکم بوده، لایه‌های متنی آن را دچار تغییر و به دلیل تکیه بر عملکرد و نه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و محیطی، از متن شهر بافت‌زدایی نموده است. ماحصل چنین رویکردی که تحت‌تأثیر روندهای مختلفی بوده است، تغییر در نوع نشانه، به عنوان ابزار تحلیل شهر به مثابه‌ی متن است. به عبارتی نشانه‌ها در متن شهر مدرن و سرمایه‌داری نه نشانه فرهنگی و قابل رمزگشایی توسط ناظر، بلکه به نشانه‌های کارکردی و بعضاً نشانه‌های نمادین تبدیل شده‌اند، موضوعی که بودریار از آن با عنوان «اقتصاد سیاسی نشانه» نام می‌برد. بدین ترتیب نشانه‌ها به پایین‌ترین سطح کارکردی خود تنزل یافته و در این صورت پایین‌ترین سطح معنا از محیط ادراک و تعلیق و تکثر معنا فراهم می‌شود. در این میان منظر شهر به‌عنوان اولین سطح تماس انسان و شهر، عرصه‌ای است که این تغییرات را می‌توان در آن به خوبی مشاهده و تحلیل نمود؛ بنابراین هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر روند بافت‌زدایی از منظر شهری و تبدیل نشانه‌ها در این متن به نشانه‌های کارکردی است. این مقاله پس از بررسی مفاهیم مرتبط با فضای اجتماعی، معنا و رویکرد نشانه‌شناسی و تدوین چارچوب مفهومی پژوهش، به بررسی منظر شهر در مقیاس کلان، به صورت موردی می‌پردازد. بدین منظور نمونه‌هایی از ساخت‌وسازهای انجام شده در شهر کرج که از منظر کلان آن بافت‌زدایی کرده‌اند، بررسی و از منظر رویکرد نشانه‌شناختی و اقتصاد سیاسی نشانه نقد و تحلیل می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد تکیه بر ابعاد کارکردی و نمادین و وجوه اقتصادی یا سیاسی، زمینه‌ی ظهور عناصر کالبدی را در منظر شهر فراهم آورده است که بدون هیچ هم‌آوایی با سایر لایه‌های متنی در منظر شهر، خوانش آن را با معضلاتی روبه‌رو کرده است.

واژه‌های کلیدی: کرج، متن، منظر کلان شهری، نشانه فرهنگی، نشانه نمادین

مقدمه

منظر شهر به عنوان اولین پدیده‌ای که ناظر در برخورد با شهر آن را درک می‌کند، از مهم‌ترین وجوه شهر است که بر ادراک و خوانش ساکنین تأثیر می‌گذارد. به‌طور کلی عناصر منظر شهر به‌عنوان یک متن فرهنگی سه لایه اصلی را در بر دارند: کالبدی، طبیعی و انسانی. با این تفسیر، این وجه از شهر از قابلیت مناسبی برای نشان دادن هویت فرهنگی هر شهر برخوردار است. علی‌رغم قابلیت‌های این وجه، عدم توجه به تأثیرگذاری لایه‌ها بر هم و ابعاد فرهنگی منظر، امکان گسست معنا و بافت‌زادایی از منظر را به وجود آورده است. برای نمونه ساخت‌وسازهای ایجاد شده در مقیاس‌های مختلف منظر، تغییر و ادراک و خوانش آن را با موانعی روبه‌رو کرده است. در این میان، شهر کرج به دلایلی همچون نارسائی‌های مدیریتی، فقدان قانون-محوری و پیشی گرفتن شهرنشینی از برنامه‌ریزی و طراحی شهری و به تبع آن گسترش شتابان ساخت‌وسازهای بلندمرتبه بدون توجه به منظر عمومی کرج و زمینه‌ی موجود، مشکلاتی را در ابعاد مختلف ایجاد کرده است. بر این اساس، مقاله حاضر بر آن است که به واکاوی تأثیر ساخت‌وسازهای شکل‌گرفته در ساختار اصلی شهر بر منظر کلان‌شهر کرج بپردازد. بدین ترتیب ساختار این مقاله بدین شرح است در ابتدا، به بررسی اهمیت معنا و ضرورت آن در میان ابعاد طراحی شهری پرداخته می‌شود، در این بخش معنا به عنوان یک مقوله‌ی فرهنگی تبیین می‌شود. علاوه بر این، به بررسی انواع رویکردهای بررسی معنا پرداخته می‌شود و در این میان نشانه‌شناسی به عنوان رویکرد منتخب معرفی می‌شود. پس از معرفی اجمالی آن، به بررسی یکی از وجوه شهر -منظر شهر- پرداخته می‌شود، پس از ارائه تعریف، بررسی مقیاس و عناصر منظر، در مرحله بعد در نمونه موردی پژوهش بر مبنای رویکرد نشانه‌شناسی و اقتصاد سیاسی نشانه، منظر کلان‌شهر کرج بررسی می‌شود. در این بررسی ساخت‌وسازهایی که در محدوده مرکزی شهر و منطبق بر ساختار اصلی شهر کرج ساخته شده‌اند، مورد واکاوی و تحلیل قرار

می‌گیرند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

معنا و ماهیت فرهنگی آن

معنا کیفیتی بسیار مهم در طراحی محیط است. استفاده کنندگان در هر مکان و فضایی، به‌واسطه‌ی درک معانی، در ارتباط معنوی و روانی با آن قرار می‌گیرند، خود را می‌یابند و رابطه خود با مکان را سازمان‌دهی می‌کنند. معنا به‌عنوان یک کیفیت مهم و موجد هویت، مورد توجه اندیشمندان و نظریه‌پردازان بوده است. ایجاد محیط‌های با معنا در ارتباط بسیار زیادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. با توجه به اینکه، معنا در تداومی تاریخی شکل می‌گیرد و به سمت گذشته و آینده فراقنی می‌شود، ضرورت خلق معنا در پیوستاری معین ضروری است و از این طریق است که معنا ضامن خلق هویت خواهد بود. «معنا یک مفهوم کیفی، پیچیده و سیال است. کارشناسان مسائل اجتماعی و فرهنگی از بار فرهنگی و معنایی فضا سخن به میان آورده‌اند. امبرتو اکو^۱ نیز در این خصوص، معنا را به‌عنوان یک واحد فرهنگی بیان می‌کند» (اکو، ۱۳۸۷). سطوح معنا نیز متفاوت است، برای مثال چارلز موریس سه سطح معنا را بیان می‌کند: نحوی^۲، معنایی^۳ و عملگرا^۴ (لنگ، ۱۳۸۱). در بررسی دیگر در خصوص سلسله مراتب معنا، آمده است که معنا شامل سطح ابتدایی، کارکردی، ارزشی و نمادین است (حبیب، ۱۳۸۵)، نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که سازگاری و انطباق شکل و نوع فعالیت، عاملی مهم در معنادار بودن محیط است. بسیاری از نظریه‌پردازان در بررسی سطوح معنا، به صورت کلی دو سطح برای معنا قائل هستند: معانی صریح و ضمنی (که به تداعی‌های اجتماعی و فرهنگی و شخصی نشانه اشاره دارد) (رضازاده، ۱۳۸۱؛ سجودی، ۱۳۸۷). بررسی دقیق سایر دسته‌بندی‌ها نیز می‌تواند در همین دو دسته مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین برخی معنا را منطبق بر عملکرد می‌دانند (معنای واضح، یا صریح) و برخی دیگر بر ابعاد و مفاهیم درونی آن تأکید می‌کنند (معنی ضمنی) که تحت تأثیر ویژگی‌های تجربی، فردی،

اجتماعی و فرهنگی شخص قرار می‌گیرد.

نشانه‌شناسی به‌عنوان رویکردی در بررسی معنا

در میان رویکردهای مختلف بررسی معنا، نشانه‌شناسی یکی از روش‌های بررسی معنا است. این رویکرد در اشکال فراوان با تولید معنا و بازنمایی ارتباط دارد (چندلر، ۱۳۸۵). در تعریف نشانه‌شناسی در کتاب «مبانی نشانه‌شناسی» چندلر^۵ آمده است: نشانه‌شناسی به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل متن، به دنبال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساختمان و در جست‌وجوی معناهای پنهان و ضمنی است. از دید چندلر، مطالعات نشانه‌شناسی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های^۶ درگیر در متون حاکم هستند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناسی در شکل‌دهی معنا^۷ تأکید می‌کند (چندلر، ۱۳۸۵). از آنجا که این مقاله بر آن است تا به بررسی معنا از دریچه بررسی و شناخت نشانه‌ها بپردازد، بدین ترتیب لازم است تا مفهوم نشانه و رمزگان در این رویکرد نظریه بنیاد تبیین شود.

نشانه^۸، رمزگان^۹

یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد توجه در این رویکرد، مفهوم نشانه است. مفهوم نشانه در قالب تعاریف ساختارگرایان و آغازگران نشانه‌شناسی چون سوسور و پیرس تا تعریف پس‌اساخت‌گرایان از مفهوم نشانه، قابل بررسی است. مهم‌ترین تفاوتی که میان این دو دیدگاه در تعریف مفهوم نشانه وجود دارد را می‌توان در تفسیر آکو از نقش نشانه‌ای جستجو کرد. وی معتقد است که نشانه‌شناسی نباید مفهوم نشانه را به کارکردهای بسیار محدود آن در نظام انتزاعی محدود کند. به واقع از دید وی نشانه وجود ندارد، بلکه آنچه هست نقش نشانه‌ای است (سجودی، ۱۳۸۷). بدین ترتیب توجه به این مفهوم که نشانه منفرد وجود ندارد، مورد تأکید قرار می‌گیرد (سجودی، ۱۳۸۸)، به این معنا که چیزی برای اینکه به نشانه تبدیل شود، باید در متنی با حضور عوامل بافتی و انسانی دخیل در آن، به مثابه نشانه به کار برده یا دریافت شود. در بررسی فرآیند معناسازی، در کنار مفهوم نشانه، وجود یک جز دیگر - رمز - ضروری است که امکان خوانش و تفسیر را فراهم می‌کند. مفهوم رمز در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است. به عبارتی معنای

نشانه به رمزی که در آن قرار دارد وابسته است (چندلر، ۱۳۸۵). رمزها در ساده‌ترین سطح، نظام‌هایی برای تفسیر معانی، انواع مختلف ارتباطاتی هستند که انسان در زندگی روزمره با آن‌ها سروکار دارد، بخش اعظم آنچه انسان در پیرامون خود و در فرهنگ خود مشاهده می‌کند، حامل پیام‌هایی است، اما به این دلیل که رمزهایی که انسان را قادر می‌سازند، معانی آن‌ها را دریابد نمی‌داند، به آن‌ها توجهی نمی‌کند یا اگر هم توجه کند، به غلط تفسیرشان خواهد کرد (برگر، ۱۳۸۵). به عبارتی از دید سوسور، ارزش و اعتبار نشانه‌ها، قابلیت است فرهنگی و نظام نشانه‌ها یا رمزگانی، خود زمینه تحقق معناها را فراهم می‌آورد؛ در واقع در چارچوب رمزگان (کدها) است که معناها فعال می‌شوند.

نشانه فرهنگی در مقابل نشانه کارکردی

پس از ارائه مفهومی از نشانه، در ادامه به بررسی مفهوم نشانه فرهنگی، در مقابل نشانه‌های کارکردی پرداخته می‌شود. هدف از این بررسی ضمن ارائه تفاوت‌های این دو، تأثیر روندهای تأثیرگذار بر ماهیت نشانه در شهر و تنزل آن در حد نشانه‌های شمایی و نشانه‌های کارکردی است که ضمن ایجاد یک گسست معنایی به رمزگشایی محیط منجر می‌شود. به‌منظور بررسی این تغییر لازم است تا برخی از عوامل مؤثر بر این تغییرات مورد بررسی قرار گیرند. برای نمونه در نظام سرمایه‌داری، تفکر به شکل کالا در آمدن، به فضاها نیز تعمیم داده می‌شود. این فرآیند به شکل کالا درآمدن در ارتباط با مدارهای سرمایه است. مدارهای سرمایه تناقضاتی را ایجاد می‌کند و تأثیراتی چون ارزش‌زدایی از ساختارها و نابود شدن چشم‌اندازهای موجود را به همراه دارند و این تأثیرات برای ایجاد جای جدید برای انباشت سرمایه است (مدنی پور، ۱۳۷۹). روابط سرمایه‌داری، معماری، فضای اوقات فراغت و... را تحت تأثیر قرار داده است. به عبارتی سرمایه‌داری می‌خواهد شهر شبیه یک ماده باشد، این در حالی است که می‌توان نظام‌های نهفته‌ای را در شهر درک کرد که هر یک به خرده گروه‌های شهری مرتبط است و در ارتباط با زندگی روزمره هستند. این نظام‌ها، علیه نظام‌های اجباری و از بالا قرار می‌گیرند و به‌وسیله نیرنگ، مکان

تنزل پیدا کرد. این موضوع ناشی از تأکید بر تبعیت فرم از کارکرد در عصر مدرن بود. تبعیت فرم از عملکرد، در واقع به تأیید یک تفکر جدید طراحی در دوران مدرنیسم انجامید. اکثر معماران عملکردگرا از نشانه‌های شمایی استفاده می‌کردند. «طراحی راهروهای تهویه به شکل استوانه، هاداگ فروشی به شکل هات داگ و در کل استفاده از فرم و مصالح براساس ویژگی‌های حسی و ذاتی آن‌ها (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۸)». جینکز معتقد است، مشکلی که در دوران تجدد در زمینه نمادگرایی رخ نمود، تفاوت میان رمزهای عامه مردم و نوع تخصصی آن بود. در قرن بیستم بسیاری از معماران بر آن بودند تا براساس نشانه، شمایی زبانی بین‌المللی را پایه‌ریزی کنند (Jencks et al, 1977). ماحصل چنین رویکردی خلق فضاهای غیرقابل رمزگشایی بوده است که زمینه‌ساز گسست معنا در شهر شده است. این در حالی است که در شهرهای پیش از مدرن، تکیه بر بار فرهنگی نشانه‌ها و پیوست معنا مورد توجه بوده است. در جدول ۱ برای مشخص‌تر شدن عوامل مؤثر بر این روند تغییر در مفاهیم شهر مدرن در سطوح مختلف ارائه می‌شود.

جدول ۱: مفاهیم شهر مدرن در سطوح مختلف

مقیاس	محورها	توضیحات
بررسی مفاهیم در سطوح بالا	جهان‌بینی الگوی فرهنگی	انسان محور -
	نظام فلسفی نظام تقدس	ساختگرایی / رئالیسم / رمانتیسم دکترین پروتستانیسم
	نظام اقتصادی	اقتصاد میناردکینز
بررسی مفاهیم در سطوح متوسط	قدرت اقتصاد	انباشت سرمایه، کلاشدگی -
	هویت	فقدان معنی / هویت همسان / انسان بیولوژیک / منطقه‌بندی / استانداردسازی / سبک بین‌الملل
بررسی مفاهیم در سطوح پایین	تعدد ارتباطات / تسلسل / دسترسی ب‌جای مجاورت / ...	-

مأخذ: نگارندگان

و زمان را به تصرف در می‌آورند (Lefebvre, 1991). بدین ترتیب نظام سرمایه‌داری، به شهر به‌عنوان یک کالا می‌نگرد، به عبارتی ابعاد اجتماعی شهر یا نیاز شهروند مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و صرفاً به ایجاد نشانه‌های کارکردی در شهر همت می‌گمارد. در دوران مدرن نیز، رویکرد کارکردگرایی از یک‌سو و تأثیرات نظام سرمایه‌داری بر شهر، موجبات ایجاد فضاهای همگون، مشابه و گسست معنایی را فراهم آورد؛ بنابراین لزوم خلق فضاهای با معنا رویکردهای خلق هویت از طریق متن‌دار کردن نشانه‌شناسی فضاهای شهری (لوفور، گتدینر و...) مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارتی با در نظر گرفتن فضا، به‌عنوان یک مقوله اجتماعی (لوفور)، توجه به خلق فضای دارای تفاوت در شهر مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که روندهای بیان شده، بدون توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی به رمزگذاری در فضا منجر شدند که ماحصل آن‌ها نه ایجاد نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی قابل رمزگشایی توسط استفاده کننده، بلکه نشانه‌های کارکردی در پایین‌ترین حد خود شدند، به عبارتی معنا به پایین‌تر حد خود یعنی کارکرد

تا عرصه انتخابی برای این بررسی، تبیین و دلیل انتخاب آن شرح داده شود. در ادامه منظر شهری، مقیاس مورد

پس از بررسی اجمالی در خصوص معنا و روند تغییر از نشانه فرهنگی به کارکردی، در اینجا لازم است

توسعه پایدار محیط‌جغرافیایی

بررسی و عناصر آن شناسایی می‌شوند.

منظر شهر به‌عنوان عرصه‌ی بررسی گذار از نشانه فرهنگی به کارکردی

در بررسی اهمیت و ضرورت پرداختن به منظر شهری، می‌توان از چند جنبه به موضوع نگریست. در ابتدا می‌توان روندهای تحول منظر شهری را مورد توجه قرار داد. ضرورت پرداختن به منظر شهری زمانی مورد توجه ویژه قرار گرفت که رویکرد عملکردگرایی ناشی از مدرنیسم تأثیرات و تغییرات عظیمی در منظر شهر ایجاد کرد. این رویکرد در منظر، برنامه محور و عملکردگرا بود. نتایج ناشی از این منطق، بسیاری از فرم‌ها همانند عناصر آبی، ساختارهای گیاهی و... را تغییر داد و با کاهش محتوای اطلاعاتی در منظر، زمینه‌ی ابراز و انتقال منظر را از آن گرفت. با از بین رفتن نظم‌های فضایی که شخصیت ویژه‌ی منظر را سازمان‌دهی می‌کردند، نوعی فقدان هویت بروز نمود. در این میان رویکردها و روندهایی که در منظر کنونی کلان‌شهرها تأثیرگذار است، هم‌اکنون اهمیت توجه به منظر و هویت فرهنگی منظر بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر با سرعت گرفتن روند جهانی شدن، تصویر عمومی بسیاری از شهرها، خصوصاً کلان‌شهرهای دنیا به سمت نوعی شباهت و یکنواختی در شکل و محتوا سوق داده شده است؛ به‌صورتی که منظر شهری این کلان‌شهرها بیش از اینکه در هماهنگی با بستر محلی و شهرهای حوزه فرهنگی خود باشد، به دیگر کلان‌شهرها در اقصی نقاط دنیا شباهت دارد. در این راستا اهمیت مقوله منظر فرهنگی شهر که قابل بازخوانی و رمزگشایی برای ناظر باشد بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. این مهم گرایش‌های نوینی را در نظریه‌پردازی‌های شهری ایجاد کرد؛ که هدف آن، مقابله با جریان‌های ناشی از جهانی‌سازی است. در کنار تأثیر روندهایی که اهمیت بررسی و تدوین برنامه در مورد هویت و معناي منظر شهری را نشان می‌دهد، اهمیت مقوله‌ی منظر شهری به‌عنوان سطح تماس انسان و پدیده‌ی شهر (که بخش قابل توجهی از دانش، عواطف و رفتار محیطی شهروندان تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد)، ضرورت تأکید بر آن را خاطر نشان می‌کند. اهمیت

منظر شهری، به‌عنوان واسطه‌ی میان انسان و پدیده‌ی شهر، به اندازه‌ای است که بعضاً در تعریف طراحی شهری گفته‌اند: «طراحی شهری مدیریت منظر شهری (منظر عینی و ذهنی) است» (منظر شهر وسیله‌ای است که شهر را پدیدار می‌کند) (گلکار، ۱۳۸۷؛ Golkar, 2003).

مفهوم منظر شهری

در اینجا تعریفی که کالن، به‌عنوان مبدع این واژه بیان کرده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس تعریف گوردن کالن (۱۹۶۱)، منظر شهری هنری یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه‌ی ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند (کالن، ۱۳۸۲). این واژه معادل منظر ذهنی-عینی شهرک یا شهر کوچک به چشم‌اندازهای افقی و عمودی شهرهای کوچک و نواحی شهری اشاره دارد. جداره‌ها و کریدورهای شهری با دید پیاده و سواره، منظر خرد فضاهای شهری، لذت بصری، کنش و واکنش میان شهر و مردم؛ نمادها و نشانه‌ها و موارد از این قبیل در قالب این مفهوم محقق می‌شود. مقیاس کاربردی این مفهوم به سطح میانی و خرد نزدیک‌تر است (فیضی، ۱۳۸۹). امروزه از واژه‌ی Cityscape بیشتر از Townscape استفاده می‌شود. هرچند این دو واژه معادل هم هستند. این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت واژه‌های City و Town است که بنابراین بررسی منظر شهری احتمالاً بزرگ‌تر و یا مدرن‌تر نسبت به مفهوم Townscape است (فیضی، ۱۳۸۹). در عین حال برخی دیگر معتقد هستند، منظور از این واژه، منظری است که در درون شهرها رؤیت می‌شود. بنابراین منظر شهری، ماهیتی است که به‌واسطه‌ی فعالیت‌های انسانی و همراه شدن آن با کالبد در طول تاریخ پدید می‌آید و در ذهن شهروندان تفسیر می‌شود؛ این ابعاد (ذهنی) ممکن است فردی و یا جمعی باشد. منظر شهری در آغاز امری عینی است که به‌واسطه‌ی کیفیت ظهور عوامل فیزیکی شهر موجودیت می‌یابد و به سبب گذشت زمان و تکرار شدن، به عنصر مشترک پیونددهنده‌ی افراد جامعه بدل می‌شود. از آنجا که منظر شهری، کالبد و کیفیت شهر را توأمان در بر می‌گیرد، می‌توان ادعا نمود که ادراک شهر همان تفسیر منظر

شهری است. اگرچه منظر شهری در ابتدا از طریق کالبد و احساسات درک می‌شود، اما آنچه بدان معنا می‌بخشد، ذهنیت شهروند است. منظر شهری نه خاطرات صرف است (غیرمحسوس-ذهنی) و نه کالبد صرف (محسوس-عینی)؛ بلکه «پدیده‌ای است که از تعامل این دو در شهر حاصل می‌شود؛ پدیده‌ای عینی-ذهنی» (منصوری، ۱۳۸۹).

عناصر منظر

به صورت کلی، دو روش برای تعیین عناصر منظر شهری وجود دارد. با توجه به ماهیت منظر شهری و تعریفی که از آن ارائه شد می‌توان دو روش را منطبق بر ابعاد دوگانه‌ی منظر شهری شناسایی کرد. روش اول مبتنی بر ابعاد عینی منظر است که به واسطه‌ی احساس فهمیده می‌شود. روش دوم مبتنی بر ابعاد ذهنی منظر شهری است. هنر طراحی شهری، هنر ساختن یا شکل دادن به منظر شهری است؛ بنابراین مصالح خام طراحی شهری، به صورت هم‌زمان مصالح خام یا عناصری هستند که منظر شهر را شکل می‌دهند. این‌ها عناصری هستند که آن‌ها را به واسطه‌ی حواس بینایی، شنوایی، لامسه و بویایی درک و احساس می‌کنیم (Taylor, 1999). به منظور تشریح مصالح خام طراحی شهری، تشخیص ابژه‌های احساس در محیط‌های شهری لازم است، بدین ترتیب این امر، بیان می‌کند که ما چگونه جهان را می‌فهمیم. گفته می‌شود آنچه که در یک محیط احساس می‌شود کاملاً اختیاری نیست و یا تماماً ذهنی نیست؛ بنابراین به صورت تحلیلی تشخیص ابژه‌های مختلف احساسی در محیط که برای انسان‌ها احساس آن‌ها ممکن است، باید مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین در اینجا عناصر منظر شهری که برای ناظر به صورت احساسی ممکن و قابل درک است، تعیین می‌شود. با این مقدمه عناصر منظر شهری با قبول اینکه منظر شهری دارای فرم، عملکرد و معنا است و آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخصی و نتایج اعمال وی مؤثر است، می‌توان عناصر اصلی منظر شهری را در ابعاد کالبدی، غیر کالبدی، فعالیت‌های انسانی و سایت به شرح زیر بررسی نمود.

- عوامل غیر کالبدی: عوامل غیر اقلیمی (نور، بو، صدا) و

عوامل اقلیمی (دما، وزش، تابش، رطوبت) (بهزادفر، ۱۳۸۷).

- عوامل کالبدی: عوامل غیر مصنوع (آب، پوشش گیاهی، توپوگرافی) و عوامل مصنوع (تک فضا، ارتباط فضا با سایر فضاها) (بهزادفر، ۱۳۸۷)

- عناصر متحرک و فعالیت‌های انسانی

- سایت

مقیاس در منظر شهری

در یک تقسیم‌بندی ساده، می‌توان مقیاس منظر را شامل مقیاس کلان، میانی و خرد دانست. این دسته‌بندی براساس میزان دیده شدن است.

- **مقیاس کلان:** در این مقیاس، کل شهر یا پهنه‌ی وسیعی از شهر قابل رؤیت است. در این حالت فرد مشاهده کننده در موضع خاصی است که سطح چشم وی بالاتر از سطح شهر و یا پهنه‌های آن قرار دارد (محمودی، ۱۳۸۵). این مقیاس محیط طبیعی و پستی-ها و بلندی‌ها، تجمع توده‌های ساختمانی و نشانه‌های اصلی، بافت، استخوان‌بندی شهر و الگوهای ساختار کلیت شهر را به تصویر می‌کشد (مزینی، ۱۳۷۷). در این مقیاس شهر به صورت دویعدی و یک صفحه نما به چشم می‌آید.

- **مقیاس میانی:** قسمتی از شهر که شامل یک راستای شهر یا چندین بلوک شهری و مانند این‌ها می‌باشد. در این حالت گسترده‌ی دید از محدوده‌ی مشخصی بیشتر نمی‌رود (محمودی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین در این مقیاس، اغلب اطلاعات مربوط به بخشی از شهر (مانند یک محله) مورد توجه است. انواع بافت‌های شهری و ریخت-شناسی اندام‌های شهری، کریدورهای بصری، ادراکات فضایی از محیط شهر و نشانه‌های محلی و شهری، نفوذپذیری بصری و حرکتی، اغتشاش، تنوع و یکنواختی، توزیع ارتفاع، فعالیت‌های جاری در فضای شهری، شکل سازمان کالبدی بر مبنای رابطه‌ی توده و فضا، دسترسی‌ها و نظایر این‌ها در همین مقیاس می‌باشد (مزینی، ۱۳۷۷). در این مقیاس توجه به مواردی همچون بلوک‌های شهری، معابر، قطعات تفکیکی، استقرار بنا، سطح اشغال، تراکم و ارتفاع، شیوه و سبک ساختمانی، پوشش گیاهی و فعالیت‌های غالب مطرح

کلان بررسی می‌شود. سپس به بررسی نقش نشانه‌های آن‌ها و تأثیر عوامل انسانی بر معنا و کارکرد نشانه‌ها پرداخته می‌شود، به منظور بررسی و تحلیل این بخش از رویکرد اقتصادی-سیاسی نشانه استفاده می‌شود. به صورت خلاصه ساختار بررسی مسئله پژوهش به شرح زیر است.

- عرصه مورد بررسی: منظر شهر
- مقیاس بررسی منظر: کلان
- نمونه موردی: شهر کرج
- روش بررسی: نشانه‌شناسی، تشخیص سطوح معنا و نوع نشانه
- بررسی نشانه در زمینه یا بافت
- بررسی عملکرد نشانه (استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی نشانه)

یافته‌های پژوهش

منظر کلان شهر کرج

نمونه موردی پژوهش حاضر، کلان‌شهر کرج می‌باشد. این شهر، به دلیل مکان استقرار و نزدیکی به شهر تهران از اواخر دهه‌ی پنجاه با سیل جمعیت مهاجر روبه‌رو شده است. بدین ترتیب ساختار کالبدی شهر کرج دست‌خوش تغییر و تحولات زیادی شده است^{۱۱}. در این میان در کنار ساخت‌وسازهایی که در دهه‌های اخیر در کرج اتفاق افتاده و به گسترش افقی شهر کرج منجر شده است، می‌توان ساخت‌وسازهای گسترده را در مرکز شهر و منطبق بر ساختار اصلی مشاهده نمود (ساختار شهر کرج را ۲ خیابان متقاطع شکل می‌دهند: خیابان بهشتی (شرقی-غربی) و خیابان طالقانی (شمالی-جنوبی)). این ساخت‌وسازها به دلایل متعددی زمینه بروز یافته‌اند (نبود برنامه، توجیه اقتصادی، ابعاد سیاسی (استان شدن) و...). این ساخت‌وسازها که در حاشیه خیابان‌های اصلی و در مرکز استقرار یافته‌اند، بدون توجه به ابعاد منظر عمومی و ویژگی‌های زمینه، منظر کلان را دست‌خوش تغییراتی کرده‌اند. همچنین خود ساختمان‌ها نیز بدون توجه به ویژگی‌های متنی در تقابل با زمینه قرار دارند (شکل‌های ۱ تا ۴).

است (محمودی، ۱۳۸۵). در این مقیاس برخلاف مقیاس کلان، دید از حالت دوبعدی خارج شده و شهر به صورت سه بعدی درک می‌شود.

- **مقیاس خرد:** در این مقیاس زاویه دید محدود است و بررسی منظر، قسمت کوچکی را پوشش می‌دهد که شامل چندین ساختمان یا عوارض طبیعی و مصنوعی است. در این مقیاس زاویه‌ی دید به گونه‌ای است که فردی که در میان توده‌های ساختمانی قرار گرفته است یا به صورت محوری و با تأکید بر راستای قرارگیری توده‌ها یا به صورت غیرمحوری و با تأکید بر وجود توده‌های کالبدی قرار می‌گیرد (محمودی، ۱۳۸۵). لذا ادراک از فضا در نزدیک‌ترین مقیاس نزدیک به شهر وجود دارد. جزئیات معماری، پنجره‌ها، تزئینات، رنگ، مصالح و نظیر آن در این مقیاس به چشم می‌آیند (مزینی، ۱۳۷۷؛ محمودی، ۱۳۸۵).

با تبیین مفهوم منظر و شناخت عناصر منظر شهری، در ادامه لازم است تا ضمن مشخص کردن مقیاس مورد بررسی در منظر شهری -مقیاس کلان، به بررسی آن در نمونه‌ی موردی -شهر کرج پرداخته شود. بدین ترتیب در ابتدا ساختار مقاله و روش بررسی تبیین و در نمونه موردی مورد تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

مواد و روش‌ها

این مقاله، پژوهشی تحلیلی و کاربردی است. روش تحقیق مورد استفاده در بررسی و سنجش معنا، کیفی بوده و مبتنی بر روش نشانه‌شناسی است. پس از تدوین چارچوب مفهومی پژوهش از خلال بررسی ادبیات موضوع و انتخاب عرصه و مقیاس مورد بررسی، نمونه موردی انتخاب می‌شود. در ادامه پهنه مورد بررسی از یک سو و همچنین انتخاب عنصر مورد بررسی در منظر نمونه موردی -ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس در ساختار اصلی شهر- مورد توجه قرار می‌گیرد. در ادامه تصاویری گویا به منظور تحلیل و تبیین نحوه‌ی تأثیرگذاری ساخت‌وسازها در منظر کلان‌شهر کرج تهیه می‌شوند. این تحلیل در دو زمینه کلی انجام می‌شود. در ابتدا ساخت‌وسازها، به عنوان یک لایه متنی انتخاب و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها بر سایر لایه‌ها در منظر



شکل ۲: تصویری از منظر کلی خیابان بهشتی



شکل ۱: تصویری از منظر کلی خیابان بهشتی



شکل ۴: تصویری از خیابان طالقانی



شکل ۳: تصویری از خیابان طالقانی

گرفته‌اند، عبارتند از: برج تجاری-اداری آموت، طالقانی، مجموعه نژاد فلاح و سایر برج‌های مستقر در این محور. همچنین ساخت‌وسازهای انجام شده در محور طالقانی عبارتند از برج قائم ۱ و ۲ و برج میلاد. در ادامه به منظور بررسی تأثیر این ساخت‌وسازها بر منظر کلان شهر کرج، در ابتدا لایه‌های متنی منظر شهر کرج شناسایی می‌شوند (شکل‌های ۵ تا ۹).

بنابراین در بررسی منظر کلان شهر کرج، تأثیر ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس بر منظر کلان که عموماً در ساختار اصلی و مرکزی کرج شکل گرفته‌اند، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این ساخت‌وسازها اغلب به صورت بلندمرتبه و یا به صورت قطعات درشت‌دانه و با کاربری‌های عمومی (تجاری-اداری) قابل مشاهده هستند. نمونه‌ای از این ساخت‌وسازها که در محور خیابان بهشتی و در اطراف چهارراه طالقانی شکل



شکل ۶: نمونه‌ای دیگر از ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس کرج



شکل ۵: ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس در ساختار اصلی کرج



شکل ۸: برج آموت (برج تجاری-اداری) در مرکز شهر کرج

شکل ۷: برج طالقانی (برج تجاری-اداری) در مرکز شهر کرج



شکل ۹: برج میلاد در خیابان طالقانی، بعد از پل آزادگان

شناسایی لایه‌های متنی منظر شهر کرج

پیش از بررسی نقش نشانه‌ها و عملکرد آن‌ها، در ابتدا لازم است تا لایه‌های متنی منظر شناسایی شود. با توجه به مبانی نظری مقاله، عناصر منظر شهر تبیین شدند. با توجه به ماهیت آن‌ها، می‌توان این متن فرهنگی را واجد سه لایه کلی دانست.

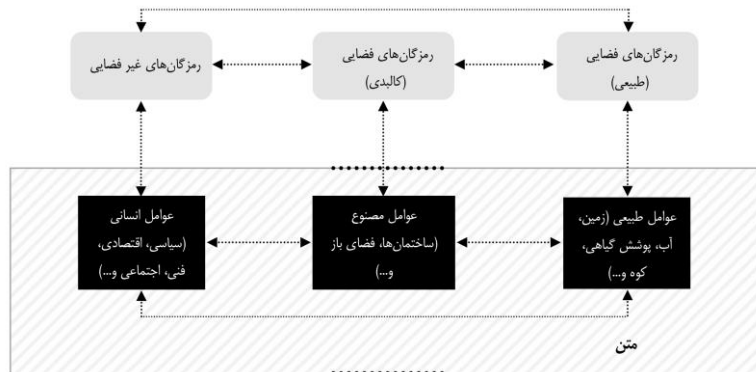
- لایه متنی عوامل کالبدی: ساخت‌وسازها، فضاهای باز
- لایه متنی عوامل طبیعی: شکل زمین، عوامل اقلیمی و عوامل غیر اقلیمی (نور، بو، صدا)، پوشش گیاهی، آب
- لایه متنی عوامل انسانی: مشتمل بر فعالیت و رویداد و عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است.



شکل ۱۰: لایه‌های متنی منظر شهر

در کنار این عوامل باید از دو عامل زمان و حرکت هم نام برد که بر ادراک و دریافت معنی تأثیر می‌گذارند. در نمودار شکل ۱۰، رابطه لایه‌های متنی آورده شده است. در ادامه به منظور کامل کردن نمودار فوق لازم است رمزگان‌ها که نمود عینی لایه‌های متنی هستند، شناسایی شوند. به نظر می‌رسد رمزگان‌ها را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی نمود: رمزگان‌های فضایی که خود یا طبیعی و یا کالبدی هستند و رمزگان‌های غیرفضایی.

بدین ترتیب لایه‌های متنی که نمود عینی رمزگان‌های فضایی می‌باشند، شامل لایه متنی عوامل طبیعی و عوامل مصنوع و لایه‌ی متنی مرتبط با رمزگان‌های غیرفضایی منظر شهر، عوامل انسانی را در برمی‌گیرد (شکل ۱۱). پس از معرفی لایه‌های متنی در متن باز و عینی منظر شهر، مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی، در ادامه به توضیح لایه‌های متنی در نمونه موردی پرداخته می‌شود.



شکل ۱۱: نمودار تکمیل شده متن منظر شهر

نیز در ارتباط کمی با زمینه‌ی خود و اغلب برای بهره‌وری اقتصادی و سود ناشی از آن شکل گرفته‌اند. در این میان ساخت‌وسازهای بلندمرتبه و یا بزرگ‌مقیاس غیرمسکونی در منظر شهر را می‌توان شناسایی نمود که این دسته به عنوان نمونه‌ی مورد تأکید پژوهش حاضر است. همچنین فضای میان ساخت‌وسازها را نیز در این لایه متنی می‌توان مورد بررسی قرار داد (شکل ۱۲).

- لایه‌ی عوامل مصنوع در منظر شهر کرج، شامل ساخت‌وسازهایی هستند که اغلب به چند صورت کلی قابل شناسایی هستند، برخی از ساخت‌وسازهای حاشیه‌ای و واجد ارزش هستند. گونه دیگری از ساخت‌وسازها را می‌توان، ناشی از روند سرمایه‌داری، نیاز به مسکن و بهره‌وری اقتصادی از زمین دانست که به صورت گسترده در حال دگرگونی منظر شهر در مقیاس‌های مختلف هستند. این نمونه از ساخت‌وسازها



شکل ۱۲: ساخت‌وسازهای بلندمرتبه در ساختار اصلی شهر کرج

شده‌اند. در کنار سایر عوامل طبیعی مورد توجه در منظر، می‌توان از شکل کلی پهنه‌ای که کرج بر آن واقع شده است نام برد. کرج در کوهپایه رشد و گسترش یافته است. این شیب زمینه ایجاد کردورهای مطلوب بصری و دید را در محورهای ساختاری کرج فراهم می‌آورد و منظری خوانا را در مقیاس کلان به وجود می‌آورد، این در حالی است که ساخت‌وسازهای انجام شده در محدوده مرکزی شهر کرج، بدون توجه به این قابلیت، در مواردی به مسدود کردن حوزه‌های دید

- لایه‌ی عوامل طبیعی: برخی از عناصر موجود در این لایه متنی که واجد ارزش هستند و در گذر زمان و در فرآیند زمانی دچار تغییر و تحول شده‌اند، عبارتند از پوشش گیاهی و سبزی‌نگی موجود در شهر کرج که آن را به محدوده‌ای بی‌یالقی تبدیل می‌کرده و نقش مهمی در ادراک منظر کلان داشته است. باغ فاتح واقع در جهان شهر و در محدوده‌ی شمالی محله چهارصد دستگاه، نمونه‌ای از این عناصر در محدوده‌ی مرکزی شهر کرج هستند که در روند گسترش شهر کرج تخریب

مطلوب منجر شده است. سایر عناصر موجود در لایه عوامل طبیعی در مقیاس کلان منظر شهر کرج از

اهمیت چندانی برخوردار نیست (شکل‌های ۱۳ و ۱۴).



شکل ۱۴: قرار گرفتن در کوهپایه



شکل ۱۳: عناصر طبیعی (سبزی‌نگی)

بر لایه‌های متنی منظر شهر

پس از بررسی لایه‌های متنی، در ادامه به بررسی تأثیر متقابل لایه‌ها بر یکدیگر با محوریت لایه‌ی عوامل مصنوع و ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد در میان لایه‌ها، لایه عوامل انسانی به‌عنوان لنگر، قابل بررسی است. بارت از مفهوم «لنگر»^{۱۴} برای لایه‌های اصلی‌تر بهره می‌گیرد؛ به عبارتی از نظر وی، برخی از عناصر متن می‌توانند حکم لنگری تثبیت‌کننده را بازی نمایند و جلوی شناوری نشانه‌های متنی را بگیرند (چندلر، ۱۳۸۶). بدین ترتیب این لایه به‌عنوان یک لایه اصلی ضمن تأثیر بر هر یک از لایه‌های متنی، رابطه متقابل میان لایه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ادامه به منظور تحدید کردن بررسی میزان تأثیرگذاری‌ها، با توجه به نمونه موردی پژوهش، تأثیر متقابل ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس بر لایه‌های متنی منظر شهر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین در این بررسی تقابل میان عناصر لایه‌های متنی عوامل مصنوع نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که بررسی تقابل‌ها، شیوه‌ای در بررسی نشانه‌شناسی است (همان‌طور که سجودی بیان می‌کند، نشانه هم به مانند متن، مفهومی تکراری است و دارای ساختی سلسله مراتبی است (سجودی، ۱۳۸۷)). بنا بر گفته چندلر، ساختارهای سلسله مراتبی ناشی از تقابل‌های دوگانه هستند؛ این فهم از ساختارهای سلسله مراتبی زمینه‌ی مناسبی را برای شناسایی ساختارهای درونی لایه‌ها فراهم می‌کند. متن صریح وی در بیان این موضوع بدین شرح است: وقتی اصلاحات به شکل دوگانه وجود داشته باشند، امکان وقوع تقارن در این دوگانگی

-لایه عوامل انسانی: این لایه شامل عامل‌های متعددی است و از لایه عوامل فرهنگی و اجتماعی گرفته تا لایه عوامل سیاسی و اقتصادی را در برمی‌گیرد. لایه‌ی عوامل اجتماعی و فرهنگی، همان عناصری هستند که فضای مختص خود را می‌طلبند و به خلق فضای دارای تفاوت و واجد ارزش می‌انجامد. این لایه شامل ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی غالب مردم است (شهر کرج تنوعی از گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی را در خود جای داده است). در این میان، عامل اقتصادی و سیاسی را نیز باید مورد توجه قرار داد. به لحاظ اقتصادی، این عامل تأثیر شگرفی بر تغییر منظر شهر کرج در ابعاد مختلف مانند سایر کلان‌شهرها داشته‌اند. افزایش سود و بهره‌وری، در کنار نگاهی که به شهر به‌عنوان کالا می‌نگرد و در نظر نگرفتن ابعاد اجتماعی و فرهنگی شهر، بر منظر شهر تأثیر خود را می‌گذارد، بناها بدون کمترین توجه به ارزش‌های موجود و بافت شکل می‌گیرند. عوامل سیاسی و قدرت نیز نقش و تأثیر خود را بر شهر می‌گذارند. استان شدن شهرستان کرج و فراهم آوردن زمینه‌های تحقق آن در سال‌های اخیر، پیکر شهر را دچار تغییر و تحول کرده است. جذب سرمایه‌گذاران، احداث بناهای بلندمرتبه به منظور تغییر چهره‌ی شهر از نموده‌های چنین رویکردی است. در عین حال نبودن برنامه و به تعویق افتادن تصویب طرح تفصیلی با تمام کاستی‌های طرح مصوب، به موارد مذکور دامن زده است.

تحلیل تأثیر متقابل ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس

منظور مشخص شدن این موضوع چند نمونه به تفصیل شرح داده می‌شوند.

- تخریب باغات موجود در ساختار مرکزی شهر کرج و افزایش ساخت‌وساز در محدوده. برای نمونه مجموعه‌ی تالار نژاد فلاح واقع در خیابان بهشتی در ضلع جنوب شرقی زیرگذر طالقانی که به عنوان مجموعه‌ای گسترده، ضمن تخریب فضاهای سبز، به عنوان مجموعه‌ای با کاربری اداری قابل بررسی است. تضاد و تقابل این مجموعه با بافت اطراف آن نیز به خوبی قابل مشاهده است (شکل ۱۵).

یا جفت‌شدگی بسیار کم است، اما در بسیاری موارد، جفت‌ها یا دوگانه‌ها یک سلسله مراتب را شکل می‌دهند (Chandler, 2007)؛ بنابراین در ادامه ضمن بررسی تأثیر متقابل، تقابل‌هایی که میان لایه‌ها به وجود آمده است در سطح منظر کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌طور که بیان شد، لایه عوامل انسانی شیوه‌ی ساخت‌وساز را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در این میان تأثیر این لایه تقابل‌هایی را میان دو لایه عوامل مصنوع و طبیعی ایجاد می‌کند. به صورتی که ساخت‌وسازها در مقابل طبیعت قرار گرفته و ضمن تحدید کردن تا سرحد تخریب عناصر طبیعی نیز پیش می‌روند. در ادامه به



شکل ۱۵: نمونه‌ای از ساخت‌وساز بزرگ مقیاس در باغ فاتح (تالار نژاد فلاح)

ساخت‌وسازهای بلند مرتبه اتفاق افتاده است (شکل ۱۶).

- در عین حال در کنار عناصر طبیعی، می‌توان به تحدید شدن کریدورهای مطلوب بصری در شهر کرج در محدوده مرکزی شهر پرداخت که به واسطه



شکل ۱۶: از بین رفتن کریدورهای سبز در بلوار جمهوری

بدین ترتیب منظر فرهنگی شهر کرج دچار چالش شود. این در حالی است که عناصر طبیعی یکی از زمینه‌های ایجاد هویت فرهنگی در منظر کلان‌شهر کرج هستند. در ادامه بررسی تقابل‌ها به بررسی درونی لایه متنی عوامل کالبدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب

- در عین حال توسعه ساخت‌وسازها در ارتفاعات شهر کرج، ضمن آنکه به تحدید محدوده‌های کوه‌پایه‌ای شهر منجر شده است، در پیکر کلی شهر نیز معضلاتی را ایجاد کرده است و منظر کلان را مخدوش کرده است. همه موارد سبب شده‌اند که هویت منظر تخریب شده و

پیوستگی بصری و حجمی از یک سو و پیچیدگی صحنه‌ای که ایجاد می‌کنند، منظر را مخدوش می‌نمایند. نمونه این بناها، عبارتند از برج آموت، طالقانی، قائم و میلاد که ضمن آنکه در تضاد زمینه هستند، در ایجاد هویت فرهنگی نیز موفق نیستند (این موضوع به صورت ویژه در بررسی اقتصاد-سیاسی نشانه تحلیل می‌شود).

- درعین حال بررسی ساخت‌وسازهای درشت‌دانه در ساختار مرکزی شهر مانند مجموعه نژاد فلاح یا مهستان نیز نشان از عدم انطباق این مجموعه‌ها با زمینه به لحاظ تراکم، سطح اشغال و ابعاد ریخت‌شناسانه هستند که به مانند لکه‌ای بزرگ در پیکر شهر قابل شناسایی هستند که با معماری متفاوت و فارغ از هویت فرهنگی و اجتماعی در منظر شهر کرج خودنمایی می‌کنند (شکل ۱۷).



شکل ۱۷: دورنمای کلی و وضعیت قرارگیری مرکز خرید مهستان

مناسبتی میان آن دو وجود داشت، در منظر کنونی شهر، این ساختمان‌ها و بلوک‌ها هستند که فضا را شکل می‌دهند. به خصوص در رابطه با ساخت‌وسازهای درشت‌دانه عدم ارتباط منطقی و نبود هم‌آوایی میان توده و فضا به وضوح به چشم می‌خورد (شکل ۱۸).

پس از بررسی تقابل میان انواع ساخت‌وسازها، ادامه به بررسی تقابل میان ساخت‌وسازها و فضای میان آن‌ها پرداخته می‌شود. در بررسی این تقابل آنچه حائز اهمیت است، بررسی رابطه توده و فضا و بررسی رابطه مثبت یا منفی میان این دو جز است. به نظر می‌رسد اگر پیش از این فضا، توده را شکل می‌داد و هم‌آوایی



شکل ۱۸: تقابل میان ساخت‌وسازهای بلندمرتبه و فضای اطراف در منظر شهر

دارد (سجودی، ۱۳۸۷). بودریار در کتاب‌های «نظام اشیا» (۱۹۶۸)، «جامعه مصرفی» (۱۹۷۰) و «به سوی نقد اقتصاد سیاسی نشانه» (۱۹۸۱)، بین چهار منطق مختلف، تفاوت قائل شد:

- منطق فعالیت عملی که به ارزش مصرفی مربوط می‌شود؛

- منطق هم ارزشی که به ارزش مبادله مربوط می‌شود؛

- منطق دوسویگی که به مبادله نمادین مربوط می‌شود؛

- منطق تفاوت که به ارزش نشانه‌ای مربوط می‌شود.

بدین ترتیب شی در منطق نخست به ابزار، در منطق دوم به کالا و در منطق سوم به نماد و در منطق چهارم به نشانه تبدیل می‌شود (سجودی، ۱۳۸۷). نظریه بودریار، در مورد فروپاشی (مرز به درون)، نوعی فرآیند آنتروپی یعنی خنثی‌شدگی و یکسان‌شدگی اجتماعی را توصیف می‌کند که به فروپاشی مرزها، از جمله فروپاشی معنا، در رسانه‌ها و فروپاشی رسانه‌ها و زندگی اجتماعی در توده‌ها می‌انجامد. انتشار گسترده پیام‌های رسانه‌ای و نشانه‌ای حوزه اجتماعی را اشباع می‌کند و معنا و پیام‌ها همدیگر را خنثی می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۷). با این توضیح در خصوص رویکرد اقتصاد سیاسی نشانه و تحلیل‌های ارائه شده در خصوص لایه عوامل انسانی و تأثیر آن بر افزایش ساخت‌وساز در شهر کرج، می‌توان ضمن بررسی نوع نشانه، به نقد فضای ایجاد شده در منظر کلان کرج نیز پرداخت. در ابتدا لازم به نظر می‌رسد در خصوص فضای دارای تفاوت و اهمیت فضای اجتماعی و فرهنگی (لوفور) به مواردی اشاره نمود. توجه به مفهوم فضا، به‌عنوان یک مقوله اجتماعی و درعین حال سیاسی، منجر به خلق فضای دارای تفاوت می‌شود. فضایی متفاوت که در آن مردم عادی آزادانه می‌توانند آنچه لوفور آن را حق تمایز می‌خواند، مدعی شوند (Lefebvre, 1991). برای ایجاد فضای دارای تفاوت که مختص هر جامعه است، لازم است تا فضای عینی و ذهنی را در کنار هم آورد؛ بنابراین مفهوم ایجاد فضای متفاوت در عرصه سرمایه‌داری و ظهور اقتصاد نمادین و مدرنیسم، یکی از اهداف مهم لوفور می‌باشد. فضاها دارای تفاوت یا حق داشتن برای

بررسی این تقابل‌ها، در کنار هم نشان از یک حقیقت دارد و آن بافت‌زادایی به وجود آمده در منظر کلان‌شهر کرج که به گسست معنا منجر می‌شود. به عبارتی عدم هم‌آوایی میان لایه‌های متنی از یک‌سو و تأثیر ساخت‌وسازهای گسترده بر سایر لایه‌ها، از متن منظر شهر بافت‌زادایی کرده است، به عبارتی حمایت‌گری میان لایه‌های متنی در حال از بین رفتن است.

بررسی عملکرد و معنای ساخت‌وسازهای گسترده در منظر کلان

در ادامه پس از بررسی ساخت‌وسازهای گسترده در زمینه، به بررسی نقش و کارکرد آن‌ها در منظر شهر پرداخته می‌شود. در این بررسی هدف آن است تا عملکرد و معنای نشانه و سطوح معنایی که این نشانه‌ها ایجاد می‌کنند، تحلیل شود. بدین منظور از رویکرد اقتصاد سیاسی نشانه‌ای بودریار استفاده می‌شود و شرح داده می‌شود چگونه تأثیر عوامل سیاسی-اقتصادی منجر به ایجاد نشانه‌هایی غیر فرهنگی در شهر کرج شده است که منظر فرهنگی و هویت در منظر را مخدوش نموده است؛ بنابراین در ابتدا توضیحی اجمالی در رابطه با این رویکرد ارائه می‌شود.

اقتصاد سیاسی نشانه، وانموده^{۱۳}، فزون واقعیت^{۱۴}

به منظور بررسی و نقد رویکرد اقتصاد-سیاسی نشانه، از نظرات بودریار استفاده می‌شود. وی در نوشته‌های آغازینش به نقد اقتصاد سیاسی می‌پردازد و در واقع آن را با نشانه‌شناختی تلفیق می‌کند. او معتقد است در کلیه جوامع پیشامدرن مبادله از طریق مجموعه‌ای از بده بستان‌های نمادین که هنوز به مثابه ارزش رمزگذاری نشده‌اند، صورت می‌گرفته است. ارزش همراه با سرمایه‌داری پدید آمده است. اقتصاد سیاسی عینیت مبادله نمادین را با انتزاعات ارزش مبادله که در آن پول و اقتصاد بازار قلمرو تازه‌ای از ارزش را بنا می‌نهند، جایگزین می‌کند. به این ترتیب ارزش‌های انتزاعی (پول، سرمایه، ارزش مبادله) بر جامعه حاکم می‌شوند. در نظام‌های اقتصاد سیاسی، ارزش شکل ارزش، کاربری و ارزش مبادله و سرانجام ارزش موقعیتی (موقعیت اجتماعی) یا آن چه ارزش نشانه‌ای نامیده می‌شود را

بر مفهوم منظر شهر نیز می‌شود. بدین ترتیب ساخت‌وسازهای گسترده در شهر کرج که در ساختار مرکزی آن شکل گرفته‌اند، براساس منطق سرمایه و ناشی از رویکرد سرمایه‌داری هستند که تحت‌تأثیر جریان‌های اقتصادی حاکم بر شهرهای بزرگ ایجاد شده‌اند. عموماً هدف این ساخت‌وسازها، تولید سود در کنار تأمین خدمات مورد نیاز ساکنین است. همچنین همان‌طور که پیش از این بیان شد، نبود برنامه از یک‌سو و وجود لایه‌های تأثیرگذار سیاسی سبب شده است، این نوع ساخت‌وسازها در شهر کرج ایجاد شوند (شکل ۱۹).

متفاوت بودن نشان می‌دهد که تفاوت در شهر قدمتی برابر با خود شهر دارد؛ برای نمونه، ارسطو بیان می‌کند که شهر مرکب از انسان‌های متفاوت است و افراد شبیه به هم به وجود آورنده شهر نیستند. لویس ویرس (۱۹۶۴)، در نظریه شهرسازی خود می‌گوید ناهمگونی در کنار اندازه جمعیت و تراکم ویژگی تعیین‌کننده‌ای در شهر است. همچنین کارپ، استن و یولز (۱۹۹۱) بیان می‌کنند، زندگی شهری را با جهانی از غریبه‌ها تعریف کرده‌اند (مدنی پور، ۱۳۷۹). با این توضیح مشخص می‌شود، این فضای دارای تفاوت است که به خلق هویت فرهنگی منجر می‌شود و نشانه را تولید می‌کند. مفهوم فضا در تحلیل لوفور کلان بوده و مشتمل



شکل ۱۹: تسلط بناهای بلندمرتبه در منظر شهر

نشانه طبیعی بدل شد (باید توجه داشت معماری را بر خلاف زبان، نمی‌توان مجموعه‌ای از عناصر دلخواهی (رابطه دلخواهی میان دال و مدلول) فروکاست. به‌علاوه نشانه‌های معماری به لحاظ ماهیت اجتماعی معماری خنثی نیستند و حاوی ارزش هستند (کالکوهن، ۱۳۸۳)، به عبارتی به نظر می‌رسد این ساخت‌وسازها نه در قالب رمزگان‌های فرهنگی قابل خوانش و ادراک، بلکه ترجمانی بی‌ارتباط و در گفتمانی نامناسب با زمینه شکل گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

منظر شهر اولین عرصه‌ای است که ناظر در شهر با آن مواجه می‌شود، این وجه از شهر به عنوان یکی از محمل‌های تأثیرگذار طراحی شهری است. در صورتی که منظر (هم بعد عینی و هم ذهنی آن)، به صورتی مناسب

بنابراین این ساخت‌وسازها که با هدف و منطق سود و سرمایه ایجاد شده‌اند، نه به منظور خلق فضایی متفاوت و ابقای و بازآفرینی هویت شهر کرج، بلکه با اهداف سیاسی و اقتصادی ایجاد شده‌اند. بدین ترتیب این نشانه‌ها بیش از آنکه نشانه‌هایی فرهنگی باشند، نشانه‌هایی کارکردی و یا نمادین هستند. این موضوع را نه تنها در ارتباط با رابطه آن‌ها با زمینه می‌توان مشاهده نمود، بلکه می‌توان در ابعاد بصری و کارکردی و معنایی هر بنا نیز به صورت مجزا مشاهده نمود، برای نمونه ابعاد حجمی و فرم، ابعاد فضایی آن، مصالح به کار رفته و سبک معماری استفاده شده که تنها هدف آن ایجاد یک مجموعه‌ای در تضاد با زمینه برای شاخص شدن در منظر است. به عبارتی تبعیت از اندیشه‌های معماری مدرن، منجر به پدید آمدن معماری شد که در آن نشانه معماری از یک‌سو به نمایه کارکردی و از سوی دیگر به

عدم حمایت‌گری میان لایه‌های متنی منظر شهر، بافت‌زادایی از متن منظر شهر اتفاق افتاده است. همچنین بررسی در خصوص نقش نشانه‌ای ساخت‌وسازهای بزرگ‌مقیاس نشان داد، این ساخت‌وسازها با تکیه بر ابعاد اقتصادی و سیاسی در متن منظر قرار گرفته‌اند و در تقابل با هویت موجود و هویت فرهنگی شهر کرج هستند. بی‌شک تبعات چنین رویکردی در متن منظر شهر، عدم خوانایی، عدم حمایت‌گری لایه‌های منظر از هم، عدم هماهویی میان لایه‌ها، تضاد و ایجاد دوگانگی در منظر و نتیجتاً ایجاد هویت دوگانه است که منجر به ایجاد مشکلاتی در خوانش منظر شهر و رمزگشایی آن توسط ناظر می‌شود.

بودن گسترش شهر را همچنان در نظر بگیریم و نتایج به دست آمده تا سال ۲۰۰۰ را برای سال ۲۰۰۸ تعمیم دهیم به این نتیجه خواهیم رسید که نسبت به سال ۱۹۸۷، بعد از گذشت ۲۱ سال از نقطه آغازین مطالعه، گسترش شهر به حدود ۳ برابر رسیده است و بنابراین هر ۷ سال یک برابر به مساحت شهر کرج اضافه می‌شود و اگر چنین روندی را با سرعت مشابهی برای تهران در نظر بگیریم، دیری نمی‌پاید که دو ابرشهر تهران و کرج به یکدیگر بپیوندند. در این بین مسلماً آنچه تخریب شده و به شهر تبدیل می‌شود، براساس مطالعات صورت گرفته، منابع و اراضی طبیعی و پوشش گیاهی می‌باشد. لذا به برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت اصولی در خصوص کنترل شرایط حاضر به وسیله برنامه‌ریزان و مدیران شهری نیاز خواهد بود. در نهایت و جدا از بررسی موشکافانه نقشه‌ها طی سال‌های گذشته، نگاهی کلی به عکس‌های ماهواره‌ای موجود دلالت بر پراکندگی رشد شهر کرج دارد. این عکس‌ها آشکار می‌سازند که با وجود اراضی بایر و ساخته نشده در داخل شهر (که حدوداً ۱۷ درصد مساحت شهر را تشکیل می‌دهند)؛ پیرامون شهر در معرض ساخت و ساز قرار گرفته و توسعه یافته‌اند.

پی نوشت

- 1-Umberto Eco
- 2-Syntactic
- 3-Semantic
- 4-pragmatic
- 5-Chandler
- 6-Discourse
- 7-Sense

مورد عمل برنامه‌ریزی و طراحی قرار گیرد، خوانایی، جهت‌یابی و تحقق هویت در شهر به وقوع می‌پیوندد. در میان اهداف مورد انتظار از منظر شهر، تحقق ابعاد هویتی و ادراکی به عنوان یکی از اهداف منظر شهری مورد توجه است. علی‌رغم اهمیت این وجه از شهر، عدم توجه به مقیاس‌های مختلف منظر و تأثیرات آن‌ها بر هم، تکیه بر ابعاد اقتصادی و سیاسی سبب شده است منظر شهر در مقیاس‌های مختلف، به لحاظ ابعاد هویتی کم‌رنگ عمل کند. در این بررسی، تأثیر عامل ساخت‌وساز بزرگ‌مقیاس به عنوان یکی از عناصر منظر و تأثیر آن بر منظر کلان‌شهر کرج مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که بررسی‌ها نشان داد، به دلیل

در سه دهه‌ی ۵۵-۱۳۲۵، منطقه‌ی کرج همواره به‌عنوان یک منطقه بیلابقی نزدیک تهران مورد توجه بوده است و همین نگرش، زمینه‌ساز شکل‌گیری کانون‌های پراکنده باغ-شهری، بافت‌های ویلایی و شهرک‌های اقماری کم‌تراکم، برای اقامت‌های موقت آخر هفته‌ای و گاه سکونت دائمی شده است. از سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰، این مجموعه بافت‌های پراکنده، همراه با چند روستای کهن واقع در نزدیکی آنها، به یکباره در برابر موج فزاینده افزایش جمعیت عمدتاً مهاجر قرار گرفته و در نبود برنامه منسجمی برای هدایت و کنترل توسعه، کانون‌های کوچک و پراکنده پیشین، در جریان گسترش شتاب‌زده، رفته‌رفته به هم پیوسته‌اند تا شهر کرج شکل بگیرد. مساحت بافت شهری کرج در دهه‌ی ۵۵-۱۳۴۵، ۱۰/۵ برابر، در دهه‌ی ۶۵-۱۳۵۶، ۲/۴ برابر، در دهه‌ی ۷۵-۱۳۶۶ نزدیک به ۲ برابر و در ۵ ساله ۸۱-۱۳۷۶، نیز ۱/۵ برابر گسترش یافته است. به گفته‌ی دیگر، در دوره ۳۵ ساله ۸۰-۱۳۴۵، مساحت بافت شهری کرج، بیش از ۶۳ برابر شده است (مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۳). از سوی دیگر طبق تحقیقات انجام شده توسط کارشناس ارشد نقشه‌برداری در مورد توسعه‌ی مناطق شهری با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای در شهر کرج، هر ۷ سال یک برابر به مساحت این شهر اضافه شده است. در این تحقیق آمده است که: «اگر فرض خطی

8-Sign
9-Code
10-Element
11-Anchorage
12-Simulation
13-Hyper-reality
<http://noo.rs/7mO8d>

- کالن، گ.، ۱۳۸۲. گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، چاپ ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۲۰۶ ص.
- گلکار، ک.، ۱۳۸۷. «محیط بصری شهر: سیر تحول از رویکردی تزئینی تا رویکردی پایدار»، علوم محیطی: ۵(۴)، ص ۹۵-۱۱۴.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=88315>

- لنگ، ج.، ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری: نقش عوامل رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۳۰۲ ص.

- محمودی، اس.، ۱۳۸۵. منظر شهری، مروری بر چند نظریه، فصلنامه آبادی: ۱۶(۵۳). ص ۵۴-۶۱.

- مدنی پور، ع.، ۱۳۷۹. طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه‌ی فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۳۳۰ ص.

- مزینی، م.، ۱۳۷۷. مطالعه کالبد شهر تهران از منظر بصری و زیبایی‌شناسی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۶۲ ص.

- منصوری، س.ا.، ۱۳۸۳. «نقدی بر بیانیه‌ی همایش سیما و منظر شهری: تجارب جهانی و چشم‌انداز آینده»، فصلنامه‌ی باغ نظر: ۱(۲). ص ۵۴-۶۲.

- منصوری، س.ا.، ۱۳۸۷. جزوه درسی دوره‌ی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران.

- منصوری، س.ا.، ۱۳۸۹. چيستی منظر، مجله تخصصی منظر: ۲(۹). ص ۳۰-۳۳.

- مهندسان مشاور پژوهش و عمران، ۱۳۶۳. طرح توسعه و عمران و حوزه نفوذ و تفصیلی شهر کرج، وزارت مسکن و شهرسازی، اداره کل مسکن و شهرسازی استان تهران.

- مهندسان مشاور معمار و شهرساز باوند، ۱۳۸۷. بازنگری طرح تفصیلی شهر کرج: تدوین الگوی ساختاری توسعه و تهیه طرح تفصیلی، سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران، شهرداری کرج.

منابع

- اکو، ا.، ۱۳۸۷. نشانه‌شناسی، ترجمه‌ی پیروز ایزدی، چاپ اول، تهران: نشر ثالث، ۱۲۸ ص.

- بحرینی، س.ح.، بلوکی، ب. و تقابن، س.، ۱۳۸۸. تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، جلد اول: اواخر قرن نوزدهم تا دهه هفتم قرن بیستم میلادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۳۸۹ ص.

- برگر، آ.، ۱۳۸۵. نقد فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، نشر باز، تهران، ۲۰۰ ص.

- بهزادفر، م.، ۱۳۸۷. واژه‌نامه‌ی مفاهیم طراحی شهری، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران، ۸۰۷ ص.

- مهندسان مشاور پژوهش و عمران (۱۳۸۲) راهبرد بیست ساله توسعه شهر کرج (۱۳۸۴-۱۴۰۴).

- چندلر، د.، ۱۳۸۶. مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه‌ی مهدی پارسا، شرکت انتشارات سوره‌ی مهر، تهران، ۲۵۰ ص.

- رضازاده، ر.، ۱۳۸۴. کاربرد علوم محیطی در فرآیند مطالعاتی طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا: ۲۴، ص ۳۷-۴۴.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=63589>

- سجودی، ف.، ۱۳۸۷. نشانه‌شناسی کاربردی (ویرایش دوم)، نشر علم، چاپ اول، تهران، ۲۹۳ ص.

- سجودی، ف.، ۱۳۸۸. کدام نشانه؟ کدام نشانه‌شناسی؟ در نشانه‌شناسی: نظریه و عمل. چاپ اول، تهران: نشر علم، ۲۸۸ ص.

- فیضی، م.، ۱۳۸۹. منظر شهری، بررسی تطبیقی سه مفهوم

در شهر، مجله‌ی تخصصی منظر: ۲(۹). ص ۳۶-۳۷

<http://noo.rs/LNiEE>.

- کالکوهن، ا.، ۱۳۸۳. تاریخی‌گری و محدودیت‌های نشانه‌شناسی، ترجمه فرزانه سجودی، خیال: ۱۰، ص ۱۲۵-۱۳۷.

- Chandler, D., 2007. Semiotics: the basics. Routledge.

<https://doi.org/10.2307/429857>

- Lefebvre, H., 1991. The production of space (v. 142), Blackwell: Oxford.

- Taylor, N., 1999. The elements of townscape and the art of urban design. Journal of Urban Design: 4(2), pp.195-209.

<https://doi.org/10.1080/13574809908724446>

<https://doi.org/10.4324/9780203014936>

- Golkar, K., 2003. Urban design: From birth to maturity, Journal of Soffeh: 36, p. 8-23 [in Persian].

<https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=48526>

- Jencks, C.A., 1978. The language of post-modern architecture. Journal of Aesthetics and Art Criticism: 37(2).

